

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقلید اقتباس

دوره پنجم، شمارہ پنجم

نام جزوه: تقلید اقتباس
نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق
ناشر: موسسه در راه حق
نوبت چاپ: مکرر
تاریخ چاپ: ۱۳۹۶ هـ ش
چاپخانه: سلمان فارسی
نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)
کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق
تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

فهرست مطالب

- فریبندگی تمدن غرب..... ۵
- پی آمدهای تقلیدهای کورکورانه..... ۹
- درمان بیماری تقلید..... ۱۲
- اقتباس درست..... ۱۸
- آزادی تفکر و گزینش در اسلام..... ۱۹

فریبندگی تمدن غرب

پیش تر مردم به هنگام برخورد با تمدن غرب، تحت تأثیر فریبایی آن، چنین می پنداشتند که: هر کس می خواهد پیش رفته باشد، باید باور داشت‌های اخلاقی و مذهبی خود را بدرود گوید و چون نسل جدید غرب، عیاشی، لذت جویی و بی بندوباری را پیشه سازد تا بتواند پا به پای قافله تمدن، سیر کند و از بازماندگی بیرون آید و تا: به نگرند روزش از روز! اما - جوامع غربی - از دیدگاه یک دانشمند جامعه شناس، چون کشتی بی ناخدایی است که همه‌ی ریسمان‌های لنگرش را بریده باشند که با هر موجی به این سوی و آن سوی می لغزد.

آنچه در غرب می‌دیدیم و یا برای ما شرقی‌ها
به ارمغان می‌آوردند، تمدنی بود بی‌عاطفه و دور از
احساس‌های پاک و اصیل بشری.

= لرد لوتین = دانشمند انگلیسی و سردبیر
مجله‌ی Round table «رونند تیبیل» در جشن
فارغ‌التحصیلان دانشگاه «علی‌گه» هند، گفت: «تمدن
جدید ما را تا لب پرتگاه کشانده است؛ شمارا نیز
خواه‌ناخواه بدان سوی خواهد کشانید.

ما به داروی خالصی نیازمندیم، گمان دارم که
داروی درد ما نزد شماست و اما شما، به هوش باشید
تا داروی خالص خود را بر باد ندهید و دقت کنید که
در لذت‌های معجون مسموم‌کننده‌ی ما درنیفتید.»^۱

دوره پنجم، شماره پنجم / ۷

این سیمای غرب است که می‌توان گفت سعادت در آن جا به بن‌بست رسیده، ریشه‌های این بی‌سامانی را باید در حذف معنویات از زندگی و توجه نکردن به جنبه‌های اخلاقی، روانی و اعتقادی، جستجو کرد.

همه چیز را از پشت عینک مادی دیدن، نه تنها گرهی از مشکل‌ها نمی‌گشاید؛ بلکه در فرجام، انسان را به گونه‌ی کرم پيله، در تارهای خود، خفه می‌کند. مکتب‌ها و فلسفه‌های رنگارنگ که در جهان غرب از سرزمین اندیشه‌ها چون قارچ می‌روید؛ و گروهی از جوانان را، مدتی سرگرم می‌دارد، نشانه‌ی سرگردانی نسل جدید غرب و نشان‌دهنده‌ی ناتوانی

غرب در پاسخگویی به خواسته‌های واقعی و بنیادی انسان‌هاست.

ظهور «هیپیسیم» مؤید این نظر است.

اکنون بر آن نیستیم که بگوییم: چه دست‌های مرموزی، در نیل به هدف‌های استعماری، به تقویت این‌گونه مکتب‌ها کمک می‌کنند، ولی آنچه از گفتگو با جوانان سرخورده و دل‌مرده از زندگی ماشینی غرب - که به سوی شرق سرازیر شده‌اند برمی‌آید؛ این است که: تمدن موهوم غرب، با همه‌ی مظاهر فریبای خود نتوانسته است به آنان آرامشی عنایت کند و حتی آنان به شرقی‌ها توصیه می‌کنند: تا از نعمت آرامش روانی که برخوردارند، رایگان دست نکشند.

پی آمده‌ای تقلیدهای کورکورانه

پیروی بی‌چون و چرا از جوامع متمدن (!) باعث عقب‌ماندگی بیش‌ترین ملت‌هاست. ملت‌های عقب‌مانده و یا به عبارتی رساتر «عقب‌نگه‌داشته شده» مانند ایران در وضعیت رژیم منحط پهلوی حتی افراد کشورهای در حال رشد، همیشه دنباله‌رو بودند و از خود استقلال و ابتکار نداشتند با شیفتگی چشم به دروازه‌ی غرب دوخته بودند تا در مسابقه‌ی مد لباس، کفش و کلاه و موی و سیل و... عقب نمانند و چنان بی‌اختیار بودند که بی‌اختیار آدمی به یاد حیرت و شگفتگی پرندگان می‌افتاد که می‌گویند در برابر دیدگان نوعی مار زهرناک، چنین بی‌خود می‌گردند...

چنین افرادی به جای اقتباس از تجربیات سودمند دیگران، به جنبه‌های منفی توجه داشته و صرف مشروبات الکلی، بی‌بندوباری، ولنگاری، لاقیدی، شب‌نشینی‌های زیان‌بخش و آزادی جنسی را نشان پیشرفت می‌پنداشتند. این‌گونه تقلیدها از نظر روان‌شناسان و جامعه‌شناسان، یک بیماری خطرناک و حاکی از عقده‌های خودکم‌بینی افراد و ملت‌هاست که برای جبران عقب‌ماندگی خود، برآنند همیشه از ملل پیشرفته تقلید کنند.

همه‌گیری این بیماری اجتماعی در برخی محیط‌های استعمار زده تا بدان پایه بود که یکی از نویسندگان نوشت: «در وطن و کشور خود شبیه به قومی از خودبیگانه‌ایم. در لباس و خانه‌مان، در

دوره پنجم، شماره پنجم / ۱۱

خوراکمان، در ادبمان، در مطبوعاتمان و خطرناک‌تر از همه در فرهنگمان، فرنگی مآب می‌پروریم و فرنگی مآب فکر می‌کنیم و راه‌حل هر مشکلی را فرنگی مآبانه می‌جوییم.^۱

بزرگ‌ترین خطری که این‌گونه تقلیدها به دنبال دارد، رکود فکری و اضمحلال شخصیت فردی و اجتماعی است. ملت مقلد، همواره متکی به دیگران است و از خود استقلال ندارد و نمی‌تواند بر پای خویش، بایستد. روح اعتمادبه‌نفس در آنان، کشته می‌شود و برای همیشه محکوم به‌نوعی بردگی خواهند بود.

۱. غرب‌زدگی صفحه ۳۶.

درمان بیماری تقلید

برای درمان بیماری، نخست باید روحیه‌ی اعتماد به نفس را در افراد، زنده کرد و آنگاه با یک دوباره بینی ژرف و دگرگونی اخلاقی و فرهنگی، تمام مظاهر بیگانه‌پرستی را از بین برد. این دگرگونی، از لباس و خوراک تا اقتصاد، فرهنگ، اخلاق، همه را شامل می‌شود.

ششمین امام، حضرت صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «خدا به یکی از پیامبران وحی کرد که: به مؤمنین بگو در لباس خوراک و روش، دشمنان خدا

دوره پنجم، شماره پنجم / ۱۳

را سرمشق نسازند که اگر چنین کنند همانند آنان،
دشمنان خدا محسوب می گردند»^۱.

پیروی از سنت و روش دشمنان اسلام، انسان
را ناخودآگاه همانند آنان می کند.

قرآن کریم پیامبر را از پیروی خواسته های
کافران (= بیگانگان) بازمی دارد تا مردم وظیفه ی خود
را بدانند. می فرماید - ای پیامبر!... از هوس های آنان
پیروی مکن و از آنان بر حذر باش که از برخی

۱. وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۲۷۹، ح ۸؛ عن
الصادق (علیه السلام) قال: انه اوحى الله الى نبي من انبيائه قل
للمؤمنين لا تلبسوا لباس اعدائى و لا تطعموا مطاعم اعدائى
ولا تسلكوا مسالك اعدائى فتكونوا اعدائى كما هم اعدائى.

چیزها که خدا به تو نازل کرده است، منحرفت
نکنند^۱...

برای مبارزه با تقلید، باید انقلاب فکری و
فرهنگی ایجاد کرد؛ نیروی خلاقه‌ی انسان‌ها را به
تکاپو افکند و استعدادهای ذاتی آنان را پرورش داد.
باید گذشته‌ی تابناک اسلام را در ذهن ملت
زنده و فروزان کرد. ابزارهای تحقیق و پژوهش علمی
جوانان را آماده و صنایع و اختراعات ملی را ترویج
نمود.

مگر ملل اسلامی مشعل فروزان دنیای تاریک
دوران توحش غرب نبودند؟!

دوره پنجم، شماره پنجم / ۱۵

مگر سبب اصلی «رنسانس» علمی اروپا، دانش
مسلمانان نبود؟

اکنون چرا به خویشتن و استعداد ذاتی خود
متکی نباشیم؟ مگر دیگران چه دارند که ما نداریم؟
«جرج سارتن» می‌گوید: خورشید تمدن و
دانش نیز از مشرق درخشید و مردم شرق، به تمدن
ما یاوری بزرگی کرده‌اند.^۱

آیا ستارگان تابان آسمان دانش بشری چون
بوعلی سینا، زکریا رازی، فارابی، خوارزمی، ابوریحان
بیرونی، خواجه نصیرالدین طوسی، جابر بن حیان،
یعقوب بن اسحاق کندی، ابن رشد، استخری و... از
ما مسلمانان نبودند؟ که هر یک در فلسفه، تاریخ،

۱. سرگذشت علم تألیف جرج سارتن، ص ۱۸۱.

جغرافی، ریاضیات، طب و ستاره‌شناسی، فیزیک و شیمی، از پایه‌گذاران علوم به شمار می‌روند.

پس چرا امروز ما مقلد باشیم و به گونه‌ی دنباله‌رو و یدک‌کش غرب درآییم و مصرف‌کننده‌ی بی‌چون و چرای بُن‌جله‌های فکری و اجتماعی آنان بمانیم.

اینک که انقلاب عظیم اسلامی مَلّت مسلمان ایران، جهان را شگفت‌زده کرده است، اینک که به جهان ثابت شده ما مَلّت مسلمان با دست‌خالی و با تکیه بر ایمان اسلامی خود توانسته‌ایم یکی از جبارترین رژیم‌های تاریخ را با وجود حمایت همه‌ی ابرقدرت‌ها خلع سلاح کنیم و فرعون را از تخت

دوره پنجم، شماره پنجم / ۱۷

ستم گری به زیرکشیم، دیگر زمان آن که مقلد فرهنگ
منحط غربی باقی بمانیم گذشته است.

آنان که می‌پنداشتند کار اسلام و مسلمانان
تمام شده و ملت‌های مسلمان برده‌ی بی‌چون و چرا و
عقب‌افتاده‌هایی دنباله‌روی دجال غرب است و یا در
بوق‌های استعماری دیگر می‌دمیدند که: «مذهب افیون
ملت‌هاست»، اینک سرافکنده‌اند.

آنان بسیار کوشیدند که ملت‌های مسلمان را از
اسلام جدا سازند و گمان می‌کردند که در این کار
موفق شده‌اند؛ آری کامپیوترهای آنان خون
حسین (علیه‌السلام) را نمی‌دید و فریاد ابوذر را
نمی‌شنید، اینک ملت مسلمان ایران آن خون را از
زخم‌های شهیدان انقلاب اسلامی به چشمان

نابینایشان پاشید؛ و آن فریاد را با مشت‌های گره‌کرده
بر مغزهای تخدیر شده از الکشان فروکوفت:
الله اکبر...

انقلاب ملت کبیر مسلمان ایران پیروز شد، پس
جا دارد که غرب برای نجات جوامع خویش از
بی‌پناهی‌های معنوی و رکودهای انسانی و اخلاقی از
ما تقلید کند، نه ما از مظاهر پر فساد و
تحمیق‌کننده‌ی غرب.

اقتباس درست

ما هرگز منکر اقتباس درست از تجربیات علمی و
فکری دیگران و نیز بهره‌گیری از نظر متخصصین
نیستیم، زیرا استفاده از این راهنمایی‌ها، در هر فنی،
لازم است و گرنه باید هر کس از کودکی، تجربیات و

دوره پنجم، شماره پنجم / ۱۹

رفتار و کرداری، ویژه‌ی خود برگزیند؛ پیداست که در این صورت، زندگی در اجتماع، بسیار دشوار و شاید غیرممکن گردد.

پس باید از مظاهر خوب و سودمند و تجربیات درست، سود جُست و بینشی درست و بخردانه از دستاوردهای فکری و تجربه‌های علمی ملّت‌ها یا تمدن‌ها، به دست آورد و از آن در چارچوب فکر و عمل ملّی و اعتقادی خود استفاده کرد.

آزادی تفکر و گزینش در اسلام

اسلام برای انسان‌ها آزادی فکر و گزینش قائل شده است.

قرآن کریم، در ضمن ده‌ها آیه، مردم را برمی‌انگیزد تا در مسائل مختلف اخلاقی، تربیتی،

اجتماعی و اصول اعتقادات بیندیشند و در پرتو علم و اندیشه و بینش صحیح، آرمانی را پذیرا گردند و هیچ‌گاه چشم‌بسته، به مسلکی پای در نیندند. اسلام هنگامی درخشید که شعار ادیان دیگر، به‌ویژه مسیحیت، این بود که «چراغ عقلت را خاموش نگهدار و بدان چه به شما گفته می‌شود کورکورانه ایمان بیاور»^۱.

ولی قرآن با صراحت اعلام می‌دارد: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»^۲.
«اجباری در دین نیست، راه نیکبختی از گمراهی آشکار است.»

۱. فلاسفه‌ی شیعه، ص ۲۳.

۲. بقره (۲)، آیه ۲۵۶.

دوره پنجم، شماره پنجم / ۲۱

قرآن دردها آیه، انسان‌های مقلد را که چشم‌بسته به مسائل پوچ و خرافی، پای درمی بندند و از عقاید بی‌اساس پدران خود، کورکورانه و بدون دلیل تقلید می‌کنند، نکوهش می‌کند که چرا در این اعتقادات، نمی‌اندیشند:

«هنگامی که به پیروی از خدا و رسول، فراخوانده می‌شوند، می‌گویند روش پدران ما برای ما کافی است، هرچند پدرانشان چیزی نمی‌دانستند و هدایت نیافته بودند»^۱.

چون اسلام آیین اندیشه و دانش است و آزادی فکری برای انتخاب آیین و ایده‌ها، قائل شده است، با خرافات و تقلیدهای ناروا، بسیار مبارزه می‌کند

۱. سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۱۰۴.

تابنده‌ای اوهام را از افکار و زنجیر اسارت و بردگی فکری و جسمی را از دست و پای مردمان بردارد. قرآن عزیز می‌فرماید: «آنان که از پیامبر اُمّی (درس نخوانده) - که چگونگی‌اش را در تورات و انجیل خود نوشته می‌یابند - پیروی کنند، رستگارند. پیامبری که ایشان را به معروف و امی دارد و از زشتی‌ها و پلشتی‌ها بازمی‌دارد و پاکیزه‌ها را حلال و پلیدی‌ها را حرام می‌کند، پیامبری که بندهای سنگین اسارت را از (گردن‌های) ایشان برمی‌دارد^۱...»